

واکاوی نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری (نمونه موردی؛ شهرهای ایران)

افشین متقی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

آرش قربانی سپهر^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

زهرا سلطان محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

امروزه شهرها به عنوان مکان‌های زیست بشر آنچنان جایگاهی یافته‌اند که توسط مدیریتی مستقل اداره می‌شوند. در این راستا شهرها، نیازمند مدیریتی هستند که بتواند زمینه ارتقاء کیفیت زندگی ساکنین شهری را در راستای توسعه پایدار شهری فراهم آورد. بدین ترتیب دولت‌های محلی به عنوان تنها نهادهای محلی موجود در شهر که ارتباط نزدیکی با زندگی شهروندان شهری دارند، می‌توانند نقش بسیار مؤثری در توسعه پایدار شهری ایفا نمایند. بدین ترتیب پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال تبیین نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری و در راستای آن ارائه مدلی مفهومی جهت توسعه پایدار شهرهای ایران می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که روی آوردن به توسعه پایدار شهری در جهت ساختن شهر پایدار و شهروند سالم در ایران، ضروریست (بهداشت، کیفیت زندگی و پایداری محیط و سلامت شهروند) در اولویت اقدامات دولت‌های محلی در راستای مدیریت شهری مدنظر قرار گیرد تا بتوان بسیاری از معضلات شهری را رفع نمود و در راستای آن توسعه پایدار شهری را در فضای شهرهای ایران مهیا ساخت.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، توسعه پایدار شهری، دولت‌های محلی، شهرهای ایران

مقدمه

ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکونتی‌شان بر میزان جذب و نگهداشت جمعیت در بافت‌های شهری مؤثر است و به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر حرکات جمعیتی درون شهری مطرح می‌شود. در واقع رفتارهای فضایی انسان از ارزش‌ها و معیارهایی که در زمان‌های مختلف مطرح شده‌اند، تأثیر می‌پذیرد. بدین ترتیب کیفیت زندگی مفهومی است که برخی آن را با ارزش‌های مثبتی نظیر شادی، موفقیت، سلامتی [شادکامی، کامیابی، بالندگی، شایستگی] و رضایت‌مندی مرتبط دانسته و آن را مفهومی معرفی نموده‌اند که برای درک افراد از اثراتی که حوادث و تجربیات، بر زندگی‌شان می‌گذارند تأثیرگذار می‌دانند (Amanpour et al., 2017:142). در سال‌های اخیر متخصصان شهری به این نکته توجه نموده‌اند که پایداری به مفهوم خاص چه کاربردی در الگوهای شهری می‌تواند داشته باشد (Mohitara et al., 2018:362). لذا ایده توسعه پایدار شهری از دغدغه‌های زیست محیطی و برهم خوردن تعادل میان انسان و محیط طبیعی و همچنین تخریب محیط زیست طبیعی، توسط صنعت است. اگر چه توسعه پایدار ایده جدیدی نیست، اما نگرانی‌های علمی فزاینده‌ای را درباره اثرات شهرنشینی منعکس می‌کند. از این‌رو، امروزه بسیاری از شهرها، به ویژه کلانشهرها در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم با مسائل زیست محیطی؛ مانند (آلودگی هوا، آب، رشد پسماندها و...) از این دست مواجه هستند که نتیجه آن تخریب محیط زیست نسل حاضر و آینده است. به‌طور مشخص بی‌توجهی به مسائل توسعه پایدار از سوی شهروندان از یک طرف و بی‌توجهی آنان به ظایف خود در قبال محیط‌زیست و همچنین بی‌توجهی به این اصل در برنامه‌ریزی مدیریت شهری از عوامل تشدیدکننده می‌باشد. بر این اساس، توسعه پایدار شهری، نظامات فضایی و محیطی را برای زندگی فراهم می‌کند که خطرات محیطی کاهش می‌یابد، دسترسی به منابع و فرصت‌های شهری را فراهم می‌سازد و مشارکت شهروندان را محقق می‌کند. این مفهوم نه یک وضعیت تمام شده، بلکه پروسه‌ای است که به وسیله آن، همه عناصر زندگی شهری برای افزایش شادی و سلامتی انسان در کنار هم قرار دارند. بر این بنیاد، توسعه پایدار شهری یک مفهوم جدید نیست، بلکه یک نسخه جدید از شهر ایده آل است (Parvin & Kalantari., 2014:9).

شهرها به عنوان مهم‌ترین سکونتگاه‌های زیست انسان، نیازمند اداره شدن هستند. آن‌ها بر اساس بُعد فضایی، جمعیتی و کارکردی دارای پیچیدگی‌های خاصی در اداره امور عمومی هستند. از این‌رو، توسعه فزاینده‌ی شهرگرایی مدرن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، خدماتی و ارتباطی، پیچیدگی اداره شهر را مضاعف کرده است (Carr & et al, 1964:909). در این راستا، روند سریع شهری شدن گستره وسیعی از فضاها جغرافیایی ایران، با تعادل بنیادین در اکثر شهرها، به ویژه در کلانشهرها همراه نبوده است. تقریباً از نظر همه کارشناسان پدیده‌هایی مانند اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینی، محلات خودرو از پیامدهای این توسعه شهری بی‌رویه بوده است (Khakpour et al., 2009:57). در این راستا توجه به مدیریت شهری به عنوان ابزاری که به وسیله آن می‌تواند توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به وجود، قابل توجه است. در چنین فرآیندی دولت محلی به خصوص شهرداری‌ها در شهر می‌تواند با عنوان کارگزاران محلی به بهبود مناسبات اجتماعی شهروندان کمک کنند (Seiedbaigi et al., 2018:288). از این‌رو، وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه‌ریزی، خدمات‌رسانی، مدیریت فرهنگ

محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. بلکه جهت‌دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم‌انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهم‌ترین وظایف مدیران شهری بشمار می‌رود. لذا یک مدیریت شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و در صدد تقویت مزایای رقابتی آن برآید (Lotfi et al., 2009:105). به هر روی امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها مدیریت می‌شوند تا بتواند رفاه و آسایش شهروندان خود را تأمین کنند. مدیریت شهری دارای تشکیلات وسیعی است و نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، جریان عبور و مرور در شهر، رفاه عمومی، مسکن، کاربری زمین، تفریح، فرهنگ، اقتصاد، تأسیسات زیربنایی و امثال آن‌ها بر عهده دارد (Shia., 2003:47). هدف مدیریت شهری، ارتقاء شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن، در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی است (Saiednia., 2003:46). با این تفاسیر اگر اندک زمانی پای از این زیست‌جهان برکنیم و از بالا به شهرهای ایران بنگریم، پرسش‌های بسیاری ذهنمان را برمی‌انگیزاند که چرا در برخی از شهرهای ایران شهروندان «بالنده، شادکام؛ شهرهای زیست‌پذیر» و در برخی دیگر شهروندان «بازنده و ناکام؛ شهرهای ناپایدار». با رویکرد بیان شده در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی توسعه پایدار شهری و جایگاه دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری، الگویی مفهومی نو در توسعه پایدار شهرهای ایران ارائه گردد تا در آینده ساکنان شهرهای ایران در فضایی به سامان^۱ زیست کنند^۲.



Figure (1) The conceptual model of research Source: (Authors., 2019)

لازم به ذکر است پژوهش حاضر از نوع تحقیقات «بنیادی نظری» است و متناسب با راهبرد کیفی، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره گرفته شده است. در این راستا، در این تحقیق سعی شده علاوه بر تصویرسازی آنچه در زمینه نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری وجود دارد به تشریح و تبیین مفهوم آن پرداخته شود و در نهایت الگویی نو در جهت توسعه پایدار شهرهای ایران ارائه گردد. در این نوشتار برای گردآوری و فیش‌برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، اینترنتی استفاده شده است.

بنیادهای مفهومی پژوهش

«یکی از بحران‌های شکل گرفته در میان علوم، آشفتگی مفاهیم است. لذا به نظر می‌رسد این آشفتگی در ایران بیشتر از سایر نقاط جهان است. بدین ترتیب منظور از آشفتگی درهم‌تنیده شدن مفاهیم در یکدیگر است که درک مفهوم

۱- سامان «welfare»؛ همچنین سامان علاوه بر به‌زیستن معنای دیگری هم می‌دهد که عبارتند از: شادکامی، کامیابی، رفاه، آسایش، سعادت، نظم. لذا اگر جغرافیادانان در پی تحقق هدف غایی علم جغرافیا باشند، تمام ساکنان [زیست‌جهانی] «کامیاب و شادکام» خواهند شد.

۲- «بودن یا نبودن، مسئله این است». این جمله را همبیلت به زبان آورد. یک روز روی زمین به این طرف و آن طرف می‌رویم و روز دیگر وجود نداریم. اما باید گفت: مسئله اصلی بودن یا نبودن نیست یا به‌طوری دیگر تمام مسئله نیست. حتی مسئله این هم نیست که ما چه هستیم یا کیستیم و از کجا آمده‌ایم. حتی این روزها مسئله این نیست که چرا درگیر کارهای تکراری شده‌ایم. پس مسئله اصلی چیست؟ مسئله اصلی این است که گذشتگان ما چگونه زیسته‌اند^۲ و قرار بر آن است که ما چگونه زیست کنیم^۳. به عبارتی بهتر می‌توان گفت: [چگونه زیستن] در این «زیست جهانی؛ زیست شهری» مسئله اصلی ماست.

آن را برای خوانندگان مشکل می‌نماید و زمینه آن را به وجود می‌آورد که هر شخص به تعبیری آن مفهوم را معنی نماید» (Mottaghi & et al, 2019:132). بر این مبنا در قسمت حاضر تلاش خواهد شد، به صورت بنیانی به مباحث پایه‌ای (شهر و شهروندی، مشارکت و مشارکت مردمی، مدیریت شهری، توسعه پایدار شهری و دولت محلی) که ساختار پژوهش حاضر را شکل می‌دهد، اشاره شود.

شهر و شهروندی

ریشه واژه شهر از واژه خستر یا خشته‌ر در اوستا آمده است و در دو معنای "شهر" و "نگهبان شهر" به کار رفته است که یگانگی نقش این دو پدیده را در وظیفه‌ای مشترک نمایان می‌کند. این واژه در فرس هخامنشی و سانسکریت به معنای کشور آمده است و به معنای پادشاهی و توانایی یا سلطنت و اقتدار نیز بکار رفته است (Purdavood., 1976:25). درباره شهر تعاریف بسیار گوناگونی شده است و هر یک از متخصصین از دیدگاه خود به تعریف شهر پرداخته‌اند از این رو ارائه یک تعریف جامع و کامل از شهر بسیار مشکل می‌باشد که مورد توافق همگان قرار گیرد. لذا، برای روشن شدن موضوع به تعریف شهر از دیدگاه علوم مختلف پرداخته می‌شود. گاهی اوقات، شهر بر اساس فرهنگ شهری (تعریف فرهنگی)، گاهی بر اساس کارکرد اداری (تعریف سیاسی - اداری)، گاهی بر اساس افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی (شاخص اقتصادی) و گاهی بر اساس تعداد جمعیت (شاخص جمعیت شناختی) تعریف می‌شود (Sharepoor., 2012:9). طی دهه‌های اخیر اندیشمندان علوم جغرافیایی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی و دیگر دانش‌ها، تعاریف متعددی برای شهر ارائه کرده‌اند. جامعه‌شناسان شهر را محل تمرکز جمعیت، ابزارهای تولید سرمایه و برآورده شدن نیازهای متنوع ساکنان آن می‌دانند که تقسیم کار اجتماعی نیز در آنجا صورت می‌گیرد. مورخان، شهر را با توجه به قدمت آن تعریف می‌کنند. جمعیت‌شناسان نیز تعداد جمعیت یک مرکز را ملاک شهری بودن آن منطقه می‌دانند. بر این اساس ملاک تشخیص شهر در کشورهای مختلف متفاوت است؛ برای مثال، در فرانسه مشابه آلمان، جمهوری چک و ترکیه ۲ هزار نفر سکنه ملاک تعیین شهر است. در ایالات متحده و مکزیک ۲۵۰۰ نفر، در هلند و یونان ۵ هزار نفر و در ایرلند ۱۵۰۰ نفر معیار شهر یا روستا بودن یک منطقه است (Nazarian., 1999:15). از دیدگاه اقتصادی شهر را می‌توان این گونه تعریف کرد: شهر محل فعالیت گروه‌های ناهمگن اجتماعی است که شغل بیشتر آن‌ها غیر کشاورزی است (Papoli Yazdi & Rajabi., 2003:52) و یا شهر بخشی از یک کشور و یا جزیره‌ای درون آن است (Moier., 2013:238). به عبارتی شهر بستر مطالعه پدیده‌ها و آزمایشگاه جامعه‌شناسی است (Rabbani., 2006:55). اما در نهایت شهر را می‌توان از دید جغرافیا و ریشه‌شناسی این گونه تعریف نمود؛ شهر پدیده جغرافیایی است که از برآیند انسان با محیط طبیعی شکل گرفته و تبدیل به یک محیط انسان ساخت شده که این محیط انسان‌ساخت به آن کارکردهای گوناگونی بخشیده و منجر به تمایز آن از روستا شده است (Janparvar & Ghorbani sepehr., 2018:57).

با این تفاسیر در عصر حاضر برداشت‌ها و نگرش‌هایی که ناظر به مفهوم جامعه مدنی و شهروندی است بر روند، فرایند سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل دهی به شهروندی در یک جامعه تأثیر به‌سزایی دارند. بنابراین فهم پدیده‌ها بر نحوه عینیت یافتگی آن‌ها مؤثر است. لذا شناخت برداشت‌های نظری از مفاهیم کمک زیادی به شناخت پدیده‌ها می‌کند. این اصل در مورد مفهوم شهروندی نیز صادق است (Nejat Hosseini., 2001:18). به این ترتیب

شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه‌های اساسی انسان‌ها را که هگل آن را نیاز به اسمیت شناخته شدن می‌نامند، ارضاء نماید. موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد، در حالی که به او استقلال فردی را نیز ارزانی می‌دارد (Falex., 2002:9-17). واژه شهروندی در دوران مدرن و با فروپاشی نظام حکومتی دوران پساصنعتی در باختر زمین و با رواج لیبرالیسم و مردم‌سالاری ویژه آن دوران رشد کرد و مفهوم تازه‌ای یافت. شهروندی به معنای شهروند یک کشور بودن با در نظر گرفتن حقوق و وظایفی که دارد، یا حالت یک شهروند با حقوق و وظایف، تابعیت، شهرنشینی و شهرگرایی است (Saraphi & Ismael Zade., 2009:136-138). «تی. اچ. مارشال (۱۹۶۴) معتقد بود که شهروندی در رژیم دموکراتیک با گذشت زمان رشد می‌یابد؛ چنان‌که سرانجام شهروندی سه بعد مشخص پیدا می‌کند: بُعد مدنی، بُعد سیاسی و بُعد اجتماعی. به نظر مارشال، حقوق مدنی نخستین حقوقی بود که برقرار گردید این حقوق شامل آزادی بیان، حق محاکمه منصفانه، دسترسی برابر به نظام قانونی و... می‌شد. حقوق سیاسی پس از حقوق مدنی پدید می‌آید و شامل حق رای، نامزدی مقامات انتخاباتی، حق شرکت در احزاب سیاسی و... می‌باشد. حقوق اجتماعی با ظهور دولت رفاه، پدیدار می‌گردد؛ این حقوق، حقوق استحقاقی افراد تعریف می‌شوند مانند امنیت اجتماعی، مزایای بیکاری، مزایای بهداشتی و آموزشی (Kioisto., 2006:99). به هر ترتیب مفهوم شهروندی با مرور زمان با سه مفهوم بنیادین پیوند خورد که عبارتند از: ۱. اصل نمایندگی؛ ۲. اصل مسئولیت؛ ۳. اصل پاسخگو بودن و یا پاسخگویی (Piran., 2008:570). در نهایت اینکه شهروند امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته است. شهروندی یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری و عدالت و استقلال دلالت دارد. به عبارتی شهروندی عضویت فعال یا غیرفعال فرد در دولت با حقوق جهانی معین و برابری تعهدات در سطح مشخص شده است (Ansari et al., 2018:28-29).

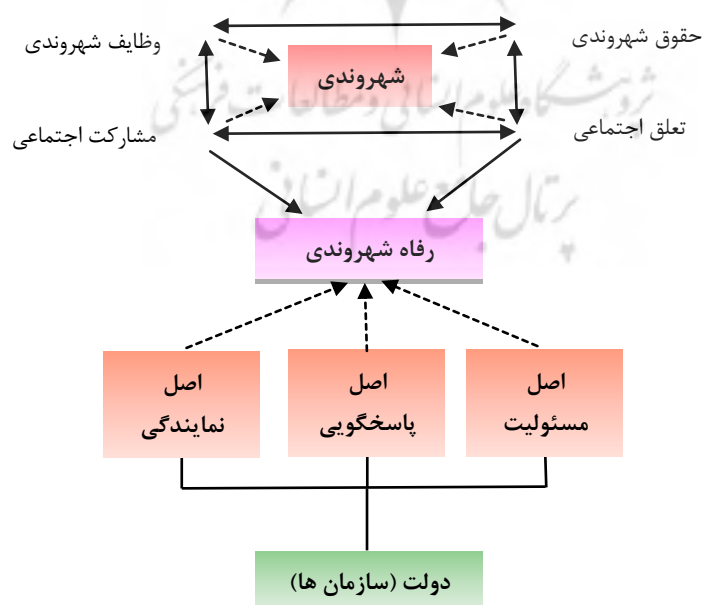


Figure (2) Citizenship pattern Source: (Ghorbani Sepehr & Janparvar., 2018: 9)

مشارکت و مشارکت مردمی

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. در تعاریف دیگر مشارکت به معنای به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. برخی از تعاریفی که از مشارکت داده شده است، مشارکت را یک جنبش اجتماعی می‌دانند. در هر حال، از نظر تحلیلی می‌توانیم دو گونه کنش را از یکدیگر متمایز سازیم: "کنش فردی" و "کنش اجتماعی" (Ziari., 2009:215). از این رو، در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است. برخی از صاحب‌نظران مدیریت تعریف زیر را برای مشارکت ارائه نموده‌اند. مشارکت درگیری ذهنی، عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (Rajabi., 2011:103). بنابراین، مفهوم مشارکت، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود، روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود تعاریف متفاوتی دریافت کرده است (Ziari., 2009:216). به‌طور خلاصه مشارکت مردم عبارت است از: فرآیند و حق اساسی که در طی آن مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه امری خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن به‌طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه می‌باشد. حال اگر محدوده مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرایند نگر با چارچوب مشارکتی را مد نظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه پایدار و... را در آن دخیل کنیم، برنامه‌ریزی شهری (شهرسازی) مشارکتی را خواهیم داشت (Rajabi., 2011:103). بنابراین، گاهی فرآیندهای مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه از پایین به بالا می‌شود که زیر بنای آن سازماندهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت‌های درونزای اجتماعی بوده که خود عامل بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی می‌شود (همان، ۱۰۳). از این رو، در کشور ایران سابقه مشارکت مردم در مدیریت شهری، طولانی است، البته منظور، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری نوین است که تفاوت بسیاری با وایان شهرهای قدیمی دارد (Ziari., 2009:216).

دولت محلی

جان شورت در کتاب مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی در تعریف از دولت محلی می‌نویسد: دولت محلی یک واحد سیاسی است که بر ناحیه جغرافیایی کمتر از دولت ملی یا ایالت فدرال، صلاحیت و اختیارات قانونی دارد. همچنین جانستون و همکارانش در کتاب فرهنگ جغرافیای انسانی دولت محلی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «دولت محلی به مجموعه مؤسساتی اطلاق می‌شود که مسئول حفاظت و نگهداری از روابط اجتماعی در سطح فروملی است و شامل حکومت محلی، دادگستری محلی، اولیای امور محلی، سازوکار سیاست‌های محلی و سایر بنگاه‌ها و سازمان‌های اداری محلی می‌شود. از این نظام در اداره امور شهرهای بزرگ (متروپلیتین‌ها)، مراکز محلی، شهرستان و استفاده می‌شود. بنابراین دولت محلی بخشی از دستگاه دولت ملی است که ضرورت اجتناب از بروز بحران‌های محلی علت پدیدآورنده آن است (Hafeznia & KavianiRad., 2013:38-39). پاسیونه "دولت محلی" را مشتمل بر مجموعه ای

از مؤسسات محلی حکومت مرکزی، مؤسسات قضایی محلی و همچنین سایر سازمان‌های محلی غیردولتی می‌داند که سرپرستی روابط اجتماعی سطح زیرملی را به عهده دارد (Pacione, 2005:921). مجموعه‌ای که جزئی از بخش عمومی محسوب شده و مهم‌ترین ویژگی کارکردی آن زیست‌پذیر کردن و تأمین و توزیع برابر کالا و خدمات عمومی برای تمام شهروندان یک قلمرو جغرافیایی معین به نام شهر است. تعریف مذکور هر دو بعد محتوایی و کارکردی و رویه‌ای و ساختاری دولت محلی را در برمی‌گیرد. به لحاظ محتوایی، مهم‌ترین کارکرد مورد انتظار از دولت محلی مواجهه و حل مسایل و مشکلات مبتلا به شهرها و زیست‌پذیر کردن آن‌ها و توسعه شهری پایدار برای حال و آینده شهر و شهروندان آن به مثابه امور محلی است. اما به لحاظ ساختاری و رویه‌ای، دولت محلی واحد محلی از نظام کلان حکومت است که همراه با دو سطح دیگر یعنی حکومت منطقه‌ای و حکومت ملی نظام حکومتی جامع سرزمین ملی را شکل می‌دهند (Kazemian et al., 2004:29). صندوق بین‌المللی پول دولت محلی را این‌گونه تعریف می‌کند: دولت محلی واحدهای نهادی، مالیاتی، قانونی و اداری اختیارات گسترده اجرایی در کوچکترین مناطق جغرافیایی به منظور اهداف سیاسی - اداری مختلف هستند (International Monetary Fund, 2014:413). از نظر تیلور و فلینت همه دولت‌ها دارای نهادهایی هستند که در سطح ملی فعالیت می‌کنند. محدوده وسیعی از عملیات‌ها در این مقیاس خاص سازماندهی می‌شوند که آموزش، تأمین مسکن، حمل و نقل عمومی و برنامه‌ریزی استفاده از زمین از آن جمله‌اند. این فعالیت دولتی عموماً تحت عنوان "دولت محلی" خوانده می‌شود تا به فعالیت‌هایی که در سطح کشوری و ملی انجام می‌گیرد و به آن «دولت مرکزی» گفته می‌شود، اشتباه نشود (Taylor & Flint, 2000:128). در نهایت مجتهدزاده و حافظ‌نیا (۱۳۸۷)، بیان می‌کنند که در جغرافیای سیاسی و جغرافیای شهری، مجموعه شهرداری‌ها و شورای شهر را لوکال گاورنمنت یا «دولت محلی» می‌خوانند و حکومت ایالتی در نظام فدرالیتیه مانند ایالات متحده و آلمان را لوکال استیت یا «حکومت محلی» می‌نامند (Veisi., 2013:63). در نهایت می‌توان این‌گونه بیان نمود که چون در کشور ایران در برگردان واژه لاتین دولت محلی و حکومت محلی اختلاف نظر بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف وجود دارد از این رو بهتر است که به جای آن از واژه «شوراهای محلی» استفاده نمود که هم در برگزیده سازمان‌های زیرمجموعه آن می‌باشد و هم می‌توان به اختلاف شکل گرفته در واژگان این حوزه پایان داد. در این راستا شوراهای محلی در قالب سازمان‌های مهمی نظیر (شوراهای شهر و شهرداری‌ها)، که در فضاها جغرافیایی کوچکی به عنوان اصلی‌ترین بازیگران شهر به شمار می‌روند و مدیریت شهر را به بر عهده دارند (Janparvar & Ghorbani Sepehr., 2017:105).

مدیریت شهری

مدیریت فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است (Sattari Sarebangholi & Zabihi., 2009:111). مدیریت عامل اصلی و حیات بخش هر سازمان و نهادی است. مفهوم مدیریت شهری در تعاریف کل نگر از مفهوم صرف اداره امور شهر فراتر است و با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتبط و نقش فعالی در توسعه شهر پیدا می‌کند. در این نگرش، مدیریت شهری، مسئولیتی استراتژیک است که نتایج و پیامدهای عملیاتی نیز به همراه دارد و به این علت، تعامل آن با حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌پذیر نیست (Tagvaei & Safarabadi., 2011:39).

روشن است که مشخصات و ساختارهای نهادی قانونی اداره کننده شهر از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد و هر جامعه‌ای با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود تعریف یا تلقی خاصی از مدیریت شهری دارد. مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیر رسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند. پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی‌باشد و هر عنصری که به شکلی در فرایند مدیریت شهری اثر دارد در این حیطه قرار دارد (Lotfi et al., 2009:105). از این‌رو مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر، هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی است (Tagvaei & Safarabadi., 2011:39). مهم‌ترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقاء شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن، در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (Saidnia., 2000:46). بر این اساس، مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده و بر اساس آن‌ها به ترسیم آینده ایده آل که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد و مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (Tagvaei & Safarabadi., 2011:40). پس مشخص می‌گردد که مدیریت شهری مفهومی بسیار فراتر از مفاهیم مادی صرف را شامل می‌گردد و بر مدیریت بهینه کلیه علل و عوامل مادی و معنوی فعالیت شهری در راستای رسیدن به ایده آل‌های زندگی مادی و معنوی ساکنان شهر دلالت دارد (Sattari Sarebangholi & Zabihi., 2009:112).

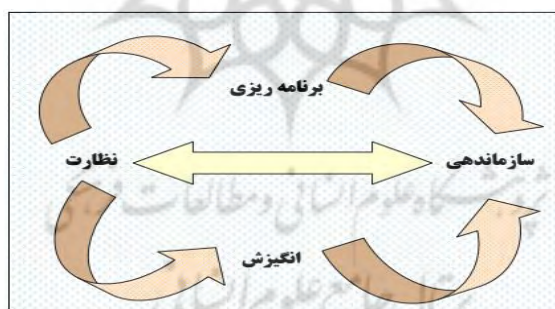


Figure (3) Management tasks and their relationship together Source: (Saiednia., 2003:21)

توسعه پایدار شهری

اگر چه تعاریف متعدد و گاه متناقضی از مفهوم توسعه پایدار ذکر شده است، اما در هر حال این تعارف دارای مفهوم هستند. مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد (Arjmand Siahpoosh., 2015:71). به‌طور ساده می‌توان توسعه پایدار را چنین تعریف نمود؛ توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌سازد بدون آن‌که توانایی نسل‌های آینده در برآورده سازی نیازهایشان را به خطر اندازد. در این تعریف دو مفهوم کلیدی وجود دارد: مفهوم «نیازها» به ویژه نیازهای اساسی جهان فقیر، به کدام اولویت مهم تر باید تخصیص داده شود؛ و موضوع

«محدودیت» که به واسطه شرایط فناوری و سازمان اجتماعی بر توانایی های محیطی برای دستیابی به نیازهای اکنون و آینده تحمیل شده است (www.unisdr.org). در شرایط امروزی که عقلانیت ابزاری مدرن و نگاه کثرت گرا به مفهوم توسعه، موجب صدمات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی فراوانی شده، لزوم توسعه پایدار شهرها روز به روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در مورد اهداف و مؤلفه‌های توسعه پایدار سخن بسیار رفته است. تعریف ارایه شده در گزارش بروتلند، به نوعی همه جانبه تمام مفاهیم توسعه پایدار را پوشش می‌دهد (WCED, 1987:43). به اعتقاد برخی، این تعریف از توسعه پایدار در بردارنده ابعامی است که منجر به چالش و کج فهمی در توسعه پایدار شده است (Wironen, 2007:7). لوک اشاره می‌کند که این تعریف در اشاره به نیازهای افراد در حال حاضر، شکست خورده‌ای است و این که آیا آن‌ها نیاز هستند یا خواسته و یا اینکه کجا و چگونه توسعه می‌تواند این نیازها را تأمین کند (Luke, 2005:36). بنابراین، منظور از توسعه پایدار، حفاظت صرف از محیط زیست نیست، بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است که عدالت و امکانات زندگی را برای تمام مردم جهان و نه تعداد کمی از افراد برگزیده است. توسعه پایدار و توسعه انسانی، نه فقط جنبه‌های اقتصادی، بلکه جنبه‌های محیطی و مهم‌تر از آن، وجوه اجتماعی، سیاسی، آموزش و نیز روابط متقابل عوامل مذکور را در نظر می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین جنبه‌های تأمین حداقل نیازها برای اجزای توسعه پایدار که مستقیماً در کیفیت زندگی دخالت دارد، که می‌توان به: حذف فقر، کاهش رشد جمعیت، توزیع منطقی منابع، داشتن مردمی سالم‌تر، آموزش دیده‌تر و تعلیم یافته‌تر دست یافت (Ziari et al., 2009:114). به‌طور کلی دو مفهوم پایداری شهری و توسعه پایداری شهری غالباً به دلیل نزدیکی معنی آن‌ها به جای یکدیگر بکار می‌روند. برای تمایز این دو باید توجه داشته باشیم که کلمه توسعه در واقع نشانگر فرآیندی است که در طی آن پایداری می‌تواند اتفاق بیفتد. اما پایداری مجموعه‌ای از واقعیت‌هاست که در طول زمان دوام دارد. از این رو در تعریف توسعه پایدار شهری چنین آمده است: بهبود و ارتقای کیفیت زندگی در یک شهر، شامل مؤلفه‌های اکولوژیکی، فرهنگی، سیاسی، مؤسساتی، اجتماعی و اقتصادی بدون این که باری بر دوش نسل‌های آینده گذاشته شود (Arjmand Siahpoosh., 2015:72). بر این مبنا یک شهر مطلوب باید نیازهای انسانی را پاسخ گوید و امکانات را برای شهروندان جهت افزایش و ارتقاء کیفیت زندگی و سلامت زیست شهری فراهم آورد.

محدوده مورد مطالعه

بر اساس قانون بخش‌بندی کشوری (مصوب ۱۲۸۶ شمسی) ایران به ۴ ایالت «آذربایجان»، «خراسان»، «فارس»، و «کرمان و بلوچستان» و ۱۰ ولایت (جدا از ایالات) تقسیم شد. این تقسیمات تا سال ۱۳۱۶ با دگرگونی‌های کوچکی به همین‌گونه ماند. در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون جدید تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. به‌مرور زمان با ایجاد استان‌های جدید، تعداد استان‌های ایران افزایش یافت. برای مدت‌های مدیدی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران همچنان دارای ۲۴ استان بود. از سال ۱۳۷۲ به ترتیب استان اردبیل، استان قم، استان قزوین، گلستان تشکیل شده، خراسان به سه استان خراسان جنوبی، خراسان شمالی و خراسان رضوی تقسیم شده و در سال ۱۳۸۹ البرز آخرین استانی بود که تاکنون تأسیس شده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری تا پایان سال ۱۳۹۴، کشور ایران از ۳۱ استان، ۴۲۹ شهرستان، ۱۰۵۷ بخش، ۲۵۸۹ دهستان و ۱۲۴۵ شهر تشکیل یافته است. محدوده مورد مطالعه این تحقیق تمام شهرهای ایران می‌باشد. زیرا الگویی که در این تحقیق ارائه می‌شود قابل تعمیم

به تمامی شهرهای ایران در جهت توسعه پایدار شهری می‌باشد. بدیهی است که چنین ضرورتی ایجاب می‌کند تا محدوده مورد مطالعه تعداد شهرهای زیادی را در بر گیرد.

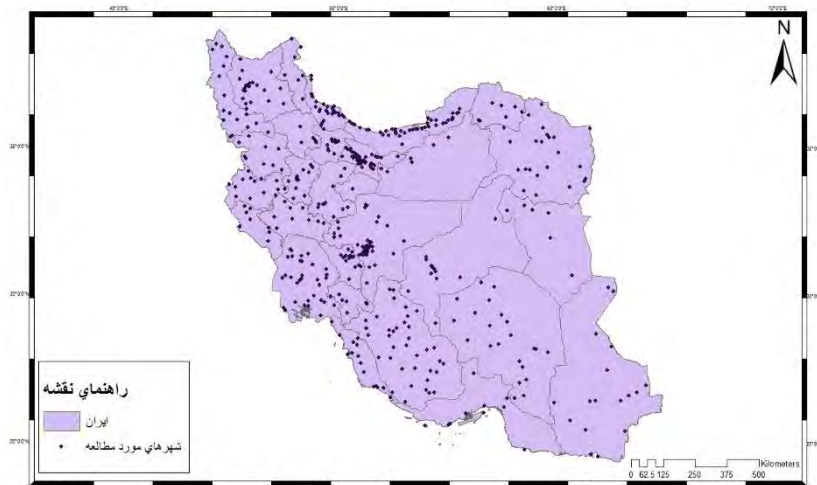


Figure (4) map of points and spatial areas of the research area Source: (Authors., 2019)

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توسعه پایدار شهری

اولین قدم برای حرکت به سوی توسعه پایدار شهری، تعیین شاخص‌های مورد نیاز می‌باشد (Pag., 2004:14). هدف از شناسایی شاخص‌ها، کاربرد آن در توسعه پایدار شهری است که می‌تواند به ارزیابی شرایط و حساسیت‌ها و در پی آن پیش‌بینی شرایط و روند آینده را در توسعه پایدار شهری فراهم نماید که از این‌رو مهم به نظر می‌آید. بر این اساس برای ارزیابی توسعه پایدار شهری، شاخص‌هایی مورد استفاده قرار گرفته است که در جدول شماره (۱) آمده است.

Table (1) Indicators of Urban Sustainable Development

ردیف	شاخص‌ها	متغیرها
۱	شاخص اقتصادی	نرخ بیکاری، نرخ اشتغال، درصد خانوار دارای موتور سیکلت، درصد خانوارهای دارای خودرو، ایجاد فرصت‌های برابر شغلی، تعداد مشاغل، تعداد شرکت‌ها، درصد خانوارهای مستأجر در محله
۲	شاخص اجتماعی	جمعیت (ساختار جمعیت، تنوع جمعیت، نرخ رشد، میزان مهاجرت و تغییرات جمعیت)، میزان فعالیت عمومی، نرخ بی‌سوادی مردان و زنان، درصد خانوارهای دارای رایانه شخصی
۳	شاخص آموزشی و فرهنگی	تعداد کتابخانه‌ها، تعداد مراکز تحصیلی آموزش و پرورش (دبستان، راهنمایی، دبیرستان و هنرستان)، تعداد دانشگاه‌ها، تعداد کافی نت (به ازای هر ۱۰ هزار نفر)، سرانه ورزشگاه-های عمومی، سرانه باشگاه‌های ورزشی، سرانه آموزش شهروندی و فرهنگسازی
۴	شاخص کالبدی	تراکم جمعیتی، مساحت منطقه، سرانه فضای سبز، مراکز انتظامی، سرانه مذهبی، سرانه تجاری، سرانه ورزشی، سرانه حمل و نقل، سرانه مسکونی، سرانه آموزشی، سرانه فرهنگی-اجتماعی، ایستگاه‌های آتش نشانی، ایستگاه‌های پمپ بنزین (به ازای هر ۱۰ هزار نفر)
۵	شاخص زیست محیطی	تعداد جمعیت و خانوار، درصد آلودگی، درصد کاربری فضای سبز، میزان مصرف انرژی، وضع مقررات انرژی برای ساختمان‌ها، ترویج استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر، بازیافت زباله، بازیافت زیاده، ایجاد کمربندهای سبز دور واحدهای شهری
۶	شاخص بهداشتی	بیمارستان، داروخانه، آزمایشگاه، مراکز بهداشتی و درمانی، درمانگاه، پزشک شهری (به ازای هر ۱۰ هزار نفر)، کیفیت آب آشامیدنی، امید به زندگی
۷	شاخص کیفیت مسکن	نسبت قیمت مسکن به درآمد، کیفیت خانه‌سازی و حقوق ساخت و ساز مسکن، میزان عرضه و تقاضا در زمینه ساخت و ساز مسکن، درصد جمعیت در نواحی شهری، درصد خانوارهای برخوردار از آب آشامیدنی، درصد خانوارهای برخوردار از برق، درصد خانوارهای برخوردار از گاز لوله کشی، درصد خانوارهای برخوردار از تلفن ثابت، درصد خانوارهای برخوردار از سرویس بهداشتی، درصد خانوارهای برخوردار از حمام
۸	شاخص زیرساختی (حمل و نقل)	سیستم حمل و نقل (مترو و جاده ای)، ارتباطات محله‌ای، سرعت جریان حمل و نقل منطقه‌ای، میزان ترافیک (میزان تردد مسافر، ترافیک جاده ای، آلودگی صوتی)
۹	شاخص سیاسی - مشارکتی	میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، شراکت میزان بخش عمومی و مردم در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی، سرمایه اجتماعی (تعداد و نوع تشکل‌ها، تعداد سازمان‌ها و انجمن‌های غیردولتی و محلی، میزان سرانه سازمان‌های غیردولتی، طول عضویت در سازمان‌های غیر دولتی، میزان آگاهی و شناخت شهروندان نسبت به این سازمان‌ها)، برنامه‌ریزی واحد و یکپارچه.

Source: (Ghadiri & Mamassani., 2014:58; Nikpour et al., 2015:127; Ghodarzvand Chegini., 2015:228-231)

وظایف نوین مدیریت شهری

وظایف کنونی مدیریت شهری (صرف نظر از تنوع و اختلاف در نظام‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون) تنها محدود به مواردی از قبیل برنامه‌ریزی، خدمات رسانی، مدیریت فرهنگ محلی، انجام پروژه‌های عمرانی و... نمی‌شود. بلکه جهت‌دهی فعالیت‌های شهری و ترسیم چشم‌انداز شهر در راستای دستیابی به توسعه پایدار از جمله مهمترین وظایف مدیران شهری به شمار می‌رود. یک مدیریت شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و درصدد تقویت مزایای رقابتی آن برآید (Lotfi et al, 2009: 105). با توجه به نقش شهرها و سازمان‌های محلی در جهت افزایش رفاه و پویایی اقتصادی- اجتماعی کشورها وظایف نوین مدیریت شهری از جمله مسائل مهم در نظام شهری به حساب می‌آید که در ذیل به آن می‌پردازیم؛

✚ توسعه اقتصادی؛

✚ عرضه خدمات و پشتیبانی عمومی (Young et al, 2012: 13)؛

✚ آماده‌سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها؛

✚ آماده‌سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره‌روی و بهبود استانداردهای زندگی شهری؛

✚ تنظیم فعالیت‌های تأثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری؛

✚ آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد مؤسسه‌های خصوصی در نواحی شهری (Lotfi et al, 2009: 105)؛

موارد اشاره شده در بالا از جمله وظایف اساسی و حیاتی نظام مدیریت شهری محسوب می‌گردد که باید به کار گرفتن آن، شهرها را بهتر بتوانند مدیریت و به سامان نمایند.

هر پدیده‌ای در جامعه، یک وجه اجتماعی و فرهنگی دارد. چون هر جا انسان‌ها کنار هم قرار می‌گیرند و اجتماعی را شکل می‌دهند، در اثر کُنش و تعاملات متقابل، وجوه مختلف اجتماعی و فرهنگی خود را نشان می‌دهند. در میان اجتماعات انسانی، شهر را می‌توان با توجه به تراکم جمعیت، سرعت و پویایی فعالیت‌ها، تخصص‌گرایی و تقسیم کار اجتماعی متمایز دانست. ساختار ارگانیکی شهر به گونه‌ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پرحجم اما سطحی، گذرا، ناپایدار و نسبتاً رسمی است و بیشتر از آن که هنجارهای سنتی شکل روابط بین شهروندان را تعیین کند این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می‌کند. چنین فضایی موجب می‌شود تا روابط بین مردم ساکن در شهر (در مقایسه با جوامع کوچک روستایی) از عمق و کیفیت کافی برخوردار نباشد. در نتیجه خلاءهای عاطفی و ضعف در هویت- جویی افزایش می‌یابد و نیاز به تعلق اجتماعی کمتر تأمین می‌شود. در چنین شرایطی انسان شهروند در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت‌یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می‌کند. اما آنچه تلاش او را می‌تواند تا حد زیادی خنثی کند بافت و ساختار و کالبد و شکل انجام فعالیت در شهر است که سطح ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان را محدود می‌کند. حال اگر در برنامه‌ریزی شهری و مدیریت شهری بتوان به گونه‌ای این بافت و ساختار و فعالیت‌ها را تنظیم کرد که به توسعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کند، طبعاً بیشترین کمک به ارتقاء حس تعلق اجتماعی، هویت‌یابی و تأمین نیازهای عاطفی شهروندان شده است. از آنجا که نگاه انسانی به شهر و شهروندان می‌طلبد که آسایش و تأمین نیازهای روحی و

اجتماعی شهرنشینان موردتوجه باشد، ضروری است که برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با رویکردی فرهنگی و اجتماعی درصدد توسعه سطح روابط و مناسبات انسانی در شهر باشد. تبدیل گذرگاه‌های پیاده به باغ راه‌ها، ارائه جلوه‌های بصری بدیع و چشم نواز بر دیوارها و بناهای شهر، توسعه فضای سبز، ایجاد فرصت‌های جمعی برای گذران اوقات فراغت از جمله سالم‌سازی و مناسب‌سازی بوستان‌ها و پارک‌ها برای حضور خانواده‌ها، اصلاح شکل استقرار واحدهای مسکونی، تجاری، اداری به گونه‌ای که شهر را در دسترس و دریافت خدمات را آسان سازد. باید در نظر داشته باشیم که سازه‌های شهری و نیز فعالیت‌های اجتماعی در شهر، باید به گونه‌ای با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی پیوند داشته باشند که آرامش درونی و ذهنی شهروندان را دچار آشفتگی نسازند. با این مقدمه بدنیست نگاهی داشته باشیم به دو رویکرد در مدیریت شهر: رویکردی که شهرداری را صرفاً سازمانی خدماتی می‌داند و رویکردی که از شهرداری به عنوان نهادی اجتماعی انتظاری بالاتر دارد و علاوه بر ارائه خدمات شهری توقع دارد شهرداری بین کالبد شهر، فعالیت‌های شهری و شهروندان ارتباطی منطقی و متناسب، با نگاهی فرهنگی و اجتماعی داشته باشد. حال آن که رویکرد اجتماعی و فرهنگی از ما می‌خواهد که کالبد و ساختار شهر را اساساً با در نظر گرفتن کارکردهای فرهنگی و اجتماعی توسعه دهیم. یعنی از ابتدا اندیشه کنیم که چگونه می‌توان به موازات تأمین نیازهای خدماتی شهروندان، نیاز آن‌ها به رابطه اجتماعی، کمال و تعالی، آرامش روحی و روانی و معنوی را هم تأمین نمود. اگر برخی از کلا شهرهای جهان امروزه با تراکم معضلات اجتماعی، بزهکاری، تشویش، خشونت، پرخاشگری، و آلودگی شناخته می‌شوند دلیل آن چیزی نیست جز غفلت از ابعاد و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی در فضای زیست شهری. به همین خاطر تأکید می‌شود که در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بایستی درباره سازگار نمودن تغییرات تکنولوژیک با تغییرات اجتماعی و فرهنگی دغدغه دائمی داشت و به همین دلیل در رویکرد اجتماعی و فرهنگی به مدیریت شهر تأکید می‌شود که هیچ توسعه و رشد کالبدی در شهر پذیرفته نیست مگر این که از قبل درباره ابعاد و آثار فرهنگی و اجتماعی آن فکر شده باشد (Darvishi et al., 2016:185).

ارزیابی نظام مدیریت شهری در ایران

مدیریت شهری در ایران کماکان تابع حکومت مرکزی است و اختیارات خود را از مرکز کسب می‌کند. بنابراین، نظام مدیریت شهری در ایران نظام مستقلی نبوده و سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف رسمی و غیر رسمی آن را هدایت می‌کنند.

از جمله مشکلات مدیریت شهری در ایران این است که «مدیران اغلب شهرها از تخصص لازم در زمینه مدیریت تشکیلاتی و آشنایی عملی با فنون شهرسازی و مدیریت شهری برخوردار نیستند. از دیگر مشکلات، حاکم بودن ساختار بوروکراتیک بر تمام ضوابط شهرداری‌ها است، کاغذ بازی و روال انجام برنامه‌ها بسیاری از شهرداری‌ها را در کلافی سردرگم و انجام امور را به طریق روزمره‌گی گرفتار کرده است. شهرداری‌ها به‌طور عمده فاقد برنامه‌های بلند مدت، دورنگرانه برای شهرهای خود هستند. تنها در چند سال اخیر است که فقط به تنظیم برنامه‌های پنج ساله آن هم برای بعضی از شهرها اقدام گردیده است» (Shia., 2003:51-53).

بعد از انقلاب، ما به دلیل وحشت از دیکتاتوری دچار نوعی از تشنگی و تفرق در مدیریت سطوح محلی شده‌ایم که این موضوع آشکارا در مدیریت شهری نمایان شده است و اکنون مجموعه دستگاه‌های خدماتی در شهرها بدون هماهنگی با یکدیگر کار می‌کنند (Massoum & Aliabadi., 2002:5).

علاوه بر این مسائل شهرداری‌ها و شوراهای عمدتاً از نوع مسائل فرابخشی است، با وارد شدن به شهرها می‌توان دید که تمام بخش‌ها در دل شهر قرار دارند و شوراهای و شهرداری‌ها، خواسته یا ناخواسته می‌بایست همانند یک حکومت به تمام این بخش‌ها پاسخ دهند. به بیان دیگر آن‌ها دارای مدیریت فرابخشی‌اند و این مدیریت فرابخشی در تعارض با مدیریت بخشی وزارتخانه‌ها قرار دارد، یعنی کشور ما دارای سیستم اجرایی متمرکز و بخش‌نگری است که با سیستم غیرمتمرکز و فرابخشی شوراهای و شهرداری‌ها در شهر هماهنگ نیست (Ibid., 6).

شوراهای بر اساس اصل هفتم قانون اساسی، یکی از ارکان کشورند و موجودیت آن‌ها الزامی است، همان‌طور که ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی از جمله ارکان کشور است. از طرفی سازمانی عمومی و غیردولتی است و در حوزه انتخابی خود تحت مدیریت هیچ یک از مراجع و ادارات حکومتی قرار ندارد و تصمیمات آن‌ها در حدود اختیارات قانونی شوراهای حتی برای سازمان‌های کشوری نیز لازم‌الاتباع است. همچنین «اصل ۱۰۳ قانون اساسی، استانداران، فرمانداران، بخشداران و دیگر مقامات کشوری را که از سوی دولت تعیین می‌شوند ملزم به رعایت تصمیمات شورا کرده است» (Mansour., 2003:229).

با این حال، شوراهای که نهادهای مردمی هستند امروز باید مسایل خود را تنها از طریق مجاری دولتی مثل فرمانداری و استانداری انتقال دهند و به همین دلیل بسیاری از مصوبات آن‌ها در همین مجاری به وسیله کارشناسان دولتی رد شده و یا مسکوت گذاشته می‌شود. لذا بدیهی است که شوراهای باید اختیارات کامل داشته باشند و سطوح فرادستی و پایین‌دستی آن‌ها (شورای عالی استان‌ها، استانی، مناطق و محله‌ای) شکل بگیرد تا بهتر بتوانند با مردم، مجلس و دولت مرتبط شوند (Massoum & Aliabadi., 2002:11).

شهرداری‌ها نیز به عنوان عنصر مرکزی و اصلی نظام مدیریت شهرها هیچ‌گاه از استقلال قانونی برخوردار نبوده‌اند. یکی از علل اصلی این عدم استقلال در نوع ارتباط آن‌ها با وزارت کشور است. از بدو تأسیس، شهرداری‌ها در ایران در عمل به عنوان شعبه‌های تابعه وزارت کشور محسوب گردیده‌اند و تابع استاندار، فرماندار و حتی بخشدار هستند. می‌دانیم که بر اساس نظریات علم حقوق، وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های وابسته با آن‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل نبوده و در واقع جزئی از شخصیت حقوقی مستقل‌اند. با توجه به این موضوع و بر اساس ماده ۳ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴) شهرداری دارای شخصیت حقوقی است. این تأکید بر استقلال شخصیت نشان می‌دهد که شهرداری قانوناً از اجزای حاکمیت محسوب می‌شود اما تحت لوای هیچ یک از قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه، قضاییه) قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر، دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که دارای شخصیت حقوقی مستقل نیستند و زیر مجموعه شخصیت حقوقی دولت قرار می‌گیرند، تابع مقررات عمومی کشور هستند اما در مورد دستگاه‌های که از شخصیت حقوقی مستقل برخوردارند، شمول قوانین مستلزم ذکر نام آن دستگاه است. شهرداری جزء چنین سازمان‌هایی است. بنابراین، شهرداری دارای سلسله مراتب سازمانی مستقل، بودجه‌بندی مستقل و قوانین و مقررات استخدامی مستقل از دولت است (affectionate.persianblog.ir).

بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی شوراهای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان برای اداره توسط مردم انتخاب می‌شوند. بر اساس اصل ۷ قانون اساسی شوراها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. همینطور بر اساس اصل ۷، شوراها یکی از چهار نهادی هستند که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و در کنار و موازات قوای سه‌گانه قرار می‌گیرند. در واقع شوراها با در اختیار داشتن چنین جایگاه رفیعی نماد حاکمیت ملی هستند.

همچنین بر اساس ماده ۵۰ قانون شهرداری و ماده ۳۵ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشور، نصب و عزل شهردار به پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور انجام می‌شود. در واقع انجمن شهر در حکم نهاد قانون‌گذاری شهرداری و سازمان بالادستی آن در کلیه امور مالی، سازمانی و عملیاتی می‌باشد. مسلماً وظایف امره شهرداری (وظایفی که ماهیتاً به اتکای حق حاکمیت قابل اجراست) فقط توسط خود شهرداری قابل اجراست و اینگونه وظایف حتی توسط شورای شهر یا وزارت کشور نیز قابلیت تفویض به غیر یا انتقال ندارند.

در کل این‌گونه می‌توان گفت استقلال شخصیت حقوقی شهرداری باعث شده تا شهرداری از جایگاه ویژه‌ای در بین سایر نهادها و دستگاه‌های کشور برخوردار باشد اما متأسفانه نه تنها خود شهرداری بلکه سایر دستگاه‌های کشور و حتی خود مردم هم برای چنین جایگاه شهرداری اهمیتی قائل نیستند و این موضوع آنقدر ریشه‌دار و عمقی است که اگر دقت کنید، شهرداران سعی دارند تا ارتباط و وابستگی خود را به نمایندگان دولت در شهرها (استانداران، مدیران کل استانی) زیاد و زیاده‌تر کنند. در حالی که اگر شهرداران جایگاه واقعی شهرداری و شورای شهر را بشناسند بسیار بهتر می‌توانند به مدیریت شهر بپردازند. البته در این میان نباید از یاد برد که ساختارهای حاکم بر دستگاه دولتی ما نیز به این موضوع دامن می‌زند، به طوری که بعضاً شهرداران و شهرداری مجبورند تا میزان وابستگی و ارتباط خود (به دلیل مشکلات مالی) به دولت بیفزایند. ضعف عملکردی شوراهای شهر نیز به مشکلات موجود بر سر راه مدیریت شهر امن می‌زند. از سوی دیگر، نوع نگرش مردم به مدیریت شهر و شهرداری را نیز نباید از یاد برد. بر اساس آمارهای موجود، مردم مهم‌ترین وظیفه شهرداری‌ها را تامین نظافت شهر می‌دانند یعنی شهرداری را به عنوان یک نهاد عمرانی و خدماتی می‌شناسند در حالیکه امور عمرانی و خدمات شهری بخش کوچکی از وظایف شهرداری‌ها را تشکیل می‌دهد (affectionate.persianblog.ir).

به دلیل سابقه تمرکز قدرت در ایران و عدم استقلال شهرداری‌ها در امور خود از دولت مرکزی و شعبه‌های استانی آن، شهرداری در ایران تنها یکی از ۲۶ نهاد مدیریت شهری محسوب می‌شود. این نهاد اگرچه مسئولیت اداره شهر را بر عهده دارد، اما تنها در محدوده تعیین ضوابط ساخت و ساز می‌تواند بر شهر نظارت کند. نهایی که خدمات زیربنایی را به شهروندان ارائه می‌کنند مثل اداره برق و گاز و آب و فاضلاب و مخابرات بدون هماهنگی با شهرداری خدمات خود را به منطقه‌ای که شهر شناخته می‌شود، ارائه می‌کنند. صرف نظر از این که مسائل ساخت و ساز و مالکیت ساختمانی که این خدمات را دریافت می‌کند، حل شده باشد یا خیر. غالب نبودن شورای شهر و شهرداری در سلسله مراتب حکمروایی شهری باعث شده است که دیگر سازمان‌های فعال در سطح شهر لزومی برای پیروی و هماهنگی با شهرداری احساس نکنند.

شهرداری در میان دستگاه‌های اجرایی بیشترین مسئولیت را در ارتباط با شهر دارد. بخشی از مسئولیت این نهاد اجرایی است. مثل جمع‌آوری زباله و نظافت آسفالت و تامین روشنایی معابر؛ بخشی دیگر از وظایف شهرداری

جنبه برنامه‌ریزی و نظارت دارد و عبارت است از نظارت بر رعایت استانداردهای ساخت مسکن، جلوگیری از ساخت و ساز غیر قانونی در محدوده شهر، تهیه طرح‌های موضوعی و تفصیلی برای موارد خاص از قبیل ساماندهی حاشیه شهر، نظارت بر رعایت اصول شهرداری، و سیاست‌های طرح‌های بالادست مصوب وزارت مسکن و شهرسازی در توسعه‌های جدید شهر (Faranadeh Consulting Engineers., 2000:127).

Table (2) Assessing the performance of municipalities in Iran based on the accepted principles of urban management in the developed world

وضعیت ایران	اصول پذیرفته شده جهان
شهرداری فقط یکی از ۲۶ سازمان اداره کننده شهر می‌باشد.	وحدت رویه و مرکزیت شهرداری در سیستم مدیریت شهری به عنوان نهادهای مدنی.
شهرداری در محدوده قانونی، بخشی از اختیارات لازم را دارد، در محدوده استحقاقی وظایف محدودتری برعهده دارد و در خارج از آن حتی اگر حوزه نفوذ شهر باشد فاقد اختیار است.	جامعیت فضای عملکردی شهرداری و مدیریت شهری در هدایت و کنترل تمام شهر و ابعاد مختلف حیات شهری.
ضعف مزمن منابع مالی، انسانی و لجستیکی در قیاس با حجم وظایف.	تناسب وظایف با امکانات و توانایی‌ها.
بسیاری از وظایف مرتبط با مدیریت شهری از جمله اداره راهنمایی و رانندگی یا تامین زیرساخت‌ها بر عهده شهرداری نیست.	واگذاری وظایف هم پیوند و مرتبط.
ناهماهنگی بین شهرداری و سازمان‌های دیگر مسئول ارائه خدمات یا تامین زیرساخت‌های شهری زیانزد عام و خاص است.	هماهنگی بین سازمانی به ویژه در سطوح بالاتر حکومتی.
با تشکیل شوراهای مشارکت شهروندان بیشتر شده است اما هنوز رضایت بخش نیست.	مشارکت و جلب همکاری موثر تمام عناصر ذربیط اعم از شهروندان، بخش خصوصی، نهادهای غیردولتی و نهادهای دولتی
اگرچه شهرداری از طریق دریافت عوارض تولید و تدابیری نظیر تراکم فروش در ثروت‌های شهر سهیم است.	خود اتکایی اقتصادی شهرداری و سهم شدن آن در ثروت‌های تولید شده ناشی از فرایند توسعه شهری.
یکسان بودن وظایف برای هم شهرداری‌ها در تمام سطوح از جمله موانع تحقق این اصل به شمار می‌رود.	انعطاف و مدیریت اقتضایی در تدوین و اولویت بندی وظایف بر حسب شرایط خاص هر شهر و مکانیزم‌های اجرایی انجام وظایف.

Source: (Kazemian & Saeedi Rezvani., 2004)

مدیریت شهری در کشور، در چارچوبی فاقد دید منسجم و کلیت نگر حرکت می‌کند؛ بخش نگر امری طبیعی در نظام مدیریتی ما در سطوح خرد و کلان است و شهرداری‌ها که باید همانند کشورهای توسعه یافته مرجع مدیریت شهری و وحدت رویه همه بازیگران عرصه شهر باشند به سازمان خدمات رسان متوسطی مبدل شده که سایر سازمان‌ها نیز حاضر به تبعیت از طرح‌ها و برنامه‌های آن احساس نمی‌کنند.

نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهرهای ایران

در ایران شوراهای یک نهاد منتخب مدنی است که به عنوان دولت کوچک محلی که می‌تواند مشکلات و توقعات مردم را به مدیریت اجرایی منتقل کند و با تأثیرگذاری در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای حرکت کند که طرح‌هایی که در پایان بوسیله دولت ابلاغ می‌شود، مطابق با خواسته‌ها و تصمیم مردم باشد، دارای اهمیت است. از طرفی دیگر شوراهای براساس نقش قانونی و مردمی که دارند می‌توانند براساس شرح وظایف خود و همچنین با توجه به گذشت سه دوره از کار اجرایی خود منشأ تحولات اساسی و پایدار در شهر شوند. اهمیت و نقش شوراهای در ساختارهای اجتماعی بویژه در مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با توجه به تأکیدی که در منابع اسلامی (قرآن و سنت) از یک سو و ملاحظه آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر و کارآمدی آن در نهادهای اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. استفاده از سیستم مدیریتی و نظارت دقیق در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند راه گشای بسیاری از مسائل موجود در این عرصه باشد (Adhami & Khani., 2010:55). شوراهای به عنوان یک نهاد نوپا با هدف سازماندهی و برنامه‌ریزی، نظارت و بالابردن سطح کیفی و کمی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارتقا آن‌ها و بهره‌وری با هزینه کمتر یا به عرصه وجود نهاده است. البته بهبود این روند به صورت مطلوب وقتی می‌-

تواند متمر ثمر واقع شود که شوراهای علاوه بر اتکا به قوانین موجود، در امر توسعه شهری و مدیریت بهینه و ارتباط تنگاتنگ با بافت‌های مختلف شهر، در رفع موانع و مشکلات موجود در عرصه‌های مختلف شهری بکوشند. بررسی مشکلات و موانع موجود در عرصه‌های مختلف شهری از طرف شوراهای که بعنوان سیستم مدیریتی (تا حدود) و نظارت بر کارآمد بودن امور اجرایی (شهرداری‌ها) می‌تواند زمینه‌های توسعه شهری به لحاظ ساختار فیزیکی و غیر فیزیکی شهرها را بهبود بخشد (Burkpour & Asadi., 2008:41).

بنابراین، درحالی که شورا نهادی است که با تجمیع نظرات کارشناسی اداره می‌شود اما باید وجه اجتماعی قوی نیز داشته باشد. این وجه تنها در صورتی تقویت می‌شود که اعضای شورا انسان‌هایی (مسئولیت‌پذیر) باشند. یکی از سخت‌ترین گلوگاه‌ها و گرده‌های اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا را، انتخاب شهردار می‌باشد و شهردار باید بر اساس ویژگی‌های خاصی انتخاب شود و دارای برنامه‌ها و اهداف مشخصی باشد که هر کدام از آنها می‌تواند سرشاخه اصلی ده‌ها برنامه دیگر باشد. در کشور ما انتخابات به‌طور کلی اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای در خارج از یک نظام مبادله میان مشتری (مردم) و فروشنده (رأی گیرنده) تعریف شده و لذا تأکید اصلی به جای ارزیابی چگونگی تأمین مالی وعده‌های انتخاباتی، بر ویژگی‌های فردی متخین از قبیل امانت‌داری، ساده‌زیستی، مردم‌داری و سایر موارد مشابه از یک طرف و جدیت و درجه اطمینان از تلاش برای ارایه خدمت بی‌دریغ از طرف دیگر است (Hojjati Ashrafi., 2004:53).

شوراهای و شهرداری‌ها باید یک شناخت کلی از منطقه خود داشته باشند، یعنی مبنای برنامه توسعه‌ای، [شناخت] است. پس مسئولان باید یک شناخت دقیق از قابلیت‌های طبیعی، بناهای تاریخی، مکان‌های فرهنگی و ویژگی‌های منحصر به فرد منطقه از سایر لحاظ داشته باشند. پس باید منبع مالی به آن اختصاص داده شود. مشورت با مردم در مسائل مختلف زندگی و جامعه باعث رسیدن به راه‌حل‌های بهتر و دقیق‌تر و جلوگیری از اشتباهات می‌باشد. مردم در جریان زندگی اجتماعی خود فرصت‌های زیادی برای پیدا کردن راه‌حل‌های مختلف در حل مسائل می‌یابند و اطلاعات گران‌بهایی را از کارهای اجتماعی و امور مختلف زندگی بدست می‌آورند که مجموعه این اطلاعات و راه-حل‌های مختلف و تجربیاتی است که دیگران در طول زندگی خود بدست می‌آورند. اسلام توجه مسئولان و دست-اندرکاران حکومت اسلامی را بر خورد صحیح و اصولی با نظرها و پیشنهادهای مختلف مردم جلب می‌کند و از آنها می‌خواهد که در این برخورد آراء و همفکری با دیگران، دارای سعه صدر و نرمش باشند و نسبت به سلیقه و نظرهای مخالف تحمل و بُردباری به خرج دهند، از هرگونه خود رأیی و مطلق‌گرایی پرهیز نمایند و تصمیم‌های مهم را با همفکری و تبادل اندیشه و مشورت با صاحبان نظر اتخاذ نمایند (Akhondi et al., 2008:5).

نهاد شورا با آن درجه از اهمیت عقلی و اسلامی و این میزان از تأکید قانون اساسی بر نقش و ضرورت آن در اداره امور جامعه به دلایل مختلف در ۲۰ سال اول پس از پیروزی انقلاب چندان مورد توجه قرار نداشت به‌طوری که اولین انتخابات رسمی شوراهای در چارچوب اجرای قانون اساسی در هفتم اسفند سال ۱۳۷۷ با حضور پُرشور مردم در پای صندوق‌های رأی برگزار شد تا حقوق شهروندان از طریق تشکل‌های "پارلمان‌های محلی" محقق شود. اکنون پس از گذشت حدود چند سال از آغاز به کار شوراهای هنوز ادبیات کار شورایی معنای حقیقی به خود نگرفته است. آنچه بسیار مورد توجه است، شوراهای شهر و روستا باید در فرایندشناسی توسعه اقتصادی و اجتماعی جایگاه خود

را بیابند و در ذیل مباحث توسعه تشریح شوند. همین فقدان تئوری و عدم انسجام و اجماع در خصوص جایگاه شوراهاست که به اظهار نظرهای متفاوت و گاه متناقض دامن می‌زند و این نهاد مردمی و مهم را بر خلاف فلسفه وجودی خود به سلیقه دولت وابسته می‌سازد. شورا نهادی است که به لحاظ ماهیت خود باید نزدیک‌ترین ارتباط را با مردم داشته باشد. بنابراین اعضای شوراها باید خوش برخورد و اجتماعی، صبور، اهل تأمل و تحمل، صادق، آشنا به فرهنگ و پیشینه شهر و خوش فکر و خلاق باشند (Amirkhani et al., 2008:25).

بنابراین، درحالی که شورا نهادی است که با تجمیع نظرات کارشناسی اداره می‌شود اما باید وجه اجتماعی قوی نیز داشته باشد. این وجه تنها در صورتی تقویت می‌شود که اعضای شورا انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر باشند. یکی از سخت‌ترین گلوگاه‌ها و گرده‌های اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا را، انتخاب شهردار می‌باشد و شهردار باید بر اساس ویژگی‌های خاصی انتخاب شود و دارای برنامه‌ها و اهداف مشخصی باشد که هر کدام از آنها می‌تواند سرشاخه اصلی ده‌ها برنامه دیگر باشد. در کشور ما انتخابات به‌طور کلی اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراها در خارج از یک نظام مبادله میان مشتری (مردم) و فروشنده (رأی گیرنده) تعریف شده و لذا تأکید اصلی به جای ارزیابی چگونگی تأمین مالی وعده‌های انتخاباتی، بر ویژگی‌های فردی منتخبین از قبیل امانتداری، ساده زیستی، مردم‌داری و سایر موارد مشابه از یک طرف و جدیت و درجه اطمینان از تلاش برای ارایه خدمت بی‌دریغ از طرف دیگر است (Hojjati Ashrafi., 2004:53).

لذا، با توسعه شهرها و مطرح شدن اصل توسعه پایدار، توجه به اصل پایداری هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و این سؤال که چگونه می‌توان یک شهر را به شهری پایدار تبدیل کرد، مطرح گردید و بدنبال آن نظریه‌های توسعه پایدار شهری به سرعت میان طراحان شهری، شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری مورد قبول واقع گردید و مباحثی چون پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاه‌ها، محیط زیست شهری، الگوی موثر حمل و نقل، رفع نیازهای اساسی شهروندان، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و... بر اساس این نظریه وارد مباحث علوم شهری گردید. توسعه پایدار شهری، فرایندی همه جانبه، مداوم و هماهنگ بین همه اجزای تشکیل دهنده فضای شهری و شهروندان محسوب می‌شود، که طی آن ضمن برخورداری ساکنان فعلی شهر از کیفیت مطلوب زندگی شهری این شرایط برای ساکنان آتی شهر نیز مورد توجه قرار گیرد. مهمترین هدف توسعه پایداری شهری، رشد و ارتقاء کمی و کیفی زندگی شهروندان در بلند مدت است. به‌طوری که آیندگان هم بتوانند از زندگی مطلوب و شایسته‌ای برخوردار شوند. به نحوی که باید نیازهای شهروندان امروز را از منابع شهری بدون خدشه وارد کردن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین احتیاجاتشان و با بهره برداری عاقلانه بدون آثار مخرب زیست محیطی برآورده نمود. لذا اصول توسعه پایدار را می‌توان با توجه به محیط‌زیست با تغییر الگوهای اقتصادی و فن آوری، ایجاد اشتغال، تأمین بهداشت و انرژی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ترسیم نمود. در مجموع ویژگی‌های توسعه پایدار یک شهر عبارتند از: تأکید و توجه به ویژگی‌ها، آرمان‌ها، نیازها و ارزش‌های متعالی انسانی شهروندان، توجه به معیارها و شاخص‌های مهم فرهنگی و زیبایی‌شناسی، شکل هندسی مناسب از بعد کالبدی- فضایی، حفظ طبیعت شهر و تأکید بر مشارکت نهادهای مردمی و تشویق و ترغیب شهروندان به مشارکت در فرایند مدیریت شهری، رفع نیازهای اولیه و اساسی شهروندان در بخش مسکن، پوشاک، خوراک سالم و... محیط‌زیست پاک، حفظ، احیا و

نگهداری میراث فرهنگی شهر، بازیافت زباله و بهره‌گیری از سیستم دفع پساب‌های شهری و بهره‌گیری مطلوب از علوم کارآمد شهری و شهرسازی چون جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی، محیط زیست شهری، مدیریت شهری، معماری، عمران شهری، روانشناسی شهری، طراحی شهری و استفاده از دانش صاحب‌نظران (Clary, 2008: 305).

اما یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه پایدار شهری میزان مشارکت مردم در اداره امور شهر و چگونگی اداره‌ی شهر و مدیریت شهری مناسب و حکمرانی خوب است و زمانی می‌تواند عملکرد مناسبی داشته باشد که در چهارچوب سیاست‌های شهری صحیح و برنامه‌ریزی شده حرکت کند، یکی از ویژگی‌های سیاست شهری خوب مشارکتی بودن آن است یعنی جایگاهی که گروه‌های مختلف شهروندان در تدوین، اجراء و ارزیابی آن نقش داشته باشند. در ایران یکی از جنبه‌های مشارکت مردم در مدیریت شهری، نظارت بر عملکرد نهادهای مدنی از جمله شوراهاست که نتیجه طبیعی اعطای حق به نهادها از جانب مردم است. شوراهای در اصل هفتم و صدم قانون اساسی به‌عنوان یکی از ارکان تصمیم‌گیری کشور مورد توجه قرار گرفته و به عنوان نهادی مدنی، اداره بخشی از امور اجرایی کشور را با تکیه بر روند مشارکت، نظارت و آرای مردم در اداره شهرها در سطح محلی نقش پارلمان محلی را بر عهده گرفته است. یکی از وظایف مهم و اصلی شوراهای [بسترسازی برای بروز و ظهور مشارکت عمومی مردم در مدیریت شهری] است. شوراهای باید به عنوان زبان مشترک سه ضلع شهروندان، مسئولان و متخصصان شهری عمل کنند و در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهری و مدیریت شهری مطلوب ارتباط تنگاتنگی با نظام اداری و اقتصادی داشته باشند. در این راستا، شوراهای اسلامی شهر و شهرداری، به‌عنوان دو بازوی نظارتی و اجرایی نظام مدیریت شهری، نقش مؤثر و اساسی در روند اداره شهر ایفا می‌کنند. شوراهای اسلامی شهر بر اساس قانون دو وظیفه اصلی را در پارلمان شهری به عهده دارند. قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد شهرداری که نقش و مشارکت مردم در حل مسایل و مشکلات شهری را نمایندگی می‌کنند. از جمله مسائلی که شوراهای می‌توانند در آن نقش داشته باشند بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و نظارت بر اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی و سرعت بخشیدن به اجرای این پروژه‌ها هستند. با توجه به اینکه در حال حاضر اعضای شورای شهر و شهرداری براساس اعتماد مردم انتخاب می‌شوند، لکن در بسیاری موارد شاهد نا کارآمدی و عدم موفقیت شوراهای می‌باشیم (Adhami & Khani., 2010:45).

با نگاهی به تاریخ شکل‌گیری و عملکرد شوراهای در ایران با توجه به بررسی‌های بعمل آمده تا کنون به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی جایگاه شوراهای و مدیریت شهری می‌بایست ساختاری تکامل یافته داشته باشد و نزدیکی شهرها به توسعه پایدار وضعیت مطلوب‌تری را بدنبال داشته باشند، در حالی که این‌طور نیست. در بسیاری موارد نه تنها هنوز قادر به یافتن جایگاه و موقعیت خود نشده‌اند. بلکه به نظر می‌رسد به تدریج به مجموعه‌ای از شوراهای مشورتی تا شوراهای تصویبی و یا نظارتی تبدیل شده‌اند. هرچند به دلیل عدم تحقق مدیریت واحد شهری، بخش عمده وظایف بر شمرده بر عهده موسسات دولتی است لیکن طبق قانون شوراهای در بند ۳۲ از ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی کشوری آورده است که: شوراهای شهر در همه مسائل اجتماعی و اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی،

آموزشی، ورزشی و سایر امور رفاهی ورود و برنامه‌ریزی نمایند و واحدهای شهرستانی کلیه سازمان‌ها و موسسات دولتی و موسسات عمومی غیردولتی که در زمینه ارائه خدمات شهری وظایفی را به عهده دارند، موظفند برنامه سالانه خود در خصوص خدمات شهری را که در چارچوب اعتبارات و بودجه سالانه خود تنظیم شده به شورا ارائه نمایند. از این‌رو شورای شهر می‌تواند با شناخت نیازها و نارسایی‌های مختلف شهر و ملاحظه برنامه شهرداری و مؤسسات دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی در خصوص رفع نیازها و نارسایی‌های شهروندان اقدام نماید. اما واقعیت این است که دستگاه‌های دولتی متولی امور، نسبت به واگذاری مسئولیت و اختیارات مقاومت نشان داده و هرگز نمی‌پذیرند که قدرت را تقسیم کنند. لذا حوزه فعالیت شوراها از مجموعه وظایف اشاره شده فقط به شهرداری‌ها محدود شده، به طوری که شورای اسلامی شهر عملاً به شورای شهرداری‌ها تبدیل شده است. به این ترتیب، با محدود شدن دایره فعالیت شوراها و کاهش اختیارات آن‌ها عملاً مشارکت برای افزایش کیفی و کمی سایر خدمات در مدیریت شهری از شورا‌های شهر صلب گشته در چنین شرایطی دستیابی به توسعه پایدار شهری امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر امروز کشورهای توسعه یافته توانسته به رشد و توسعه پایدار شهری دست یابند، به علت عملکرد مطلوب و موفق شوراها است و این موفقیت به دلیل گستردگی حیطه اختیارات و مسئولیت آن‌هاست (Yazdan Panah., 2014:17).

به هر روی با توسعه شهرها و مطرح شدن اصل توسعه پایدار، توجه به اصل پایداری هر چه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و این سؤال که چگونه می‌توان یک شهر را به شهری پایدار تبدیل کرد، مطرح گردید و بدنبال آن نظریه‌های توسعه پایدار شهری به سرعت میان طراحان شهری، شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری مورد قبول واقع گردید و مباحثی چون پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاه‌ها، محیط‌زیست شهری، الگوی مؤثر حمل و نقل، رفع نیازهای اساسی شهروندان، ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و... بر اساس این نظریه وارد مباحث علوم شهری گردید. توسعه پایدار شهری، فرایندی همه جانبه، مداوم و هماهنگ بین همه اجزای تشکیل دهنده فضای شهری و شهروندان محسوب می‌شود، که طی آن ضمن برخورداری ساکنان فعلی شهر از کیفیت مطلوب زندگی شهری این شرایط برای ساکنان آتی شهر نیز مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین هدف توسعه پایدار شهری، رشد و ارتقاء کمی و کیفی زندگی شهروندان در بلند مدت است. به طوری که آیندگان هم از زندگی مطلوب و شایسته‌ای برخوردار شوند. لذا اصول توسعه پایدار را می‌توان با توجه به محیط زیست با تغییر الگوهای اقتصادی و فن آوری، ایجاد اشتغال، تأمین بهداشت و انرژی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ترسیم نمود.

از سوی دیگر، امروزه تأمین درآمدها و منابع مالی برای شهرها یکی از دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های مدیران شهری است. «در جوامع شهری امروز، نهادهای مالی بزرگ همواره سعی می‌کنند کاربرد زمین در نواحی گوناگون را افزایش دهند و این کار پیوسته بر بهای زمین اثر می‌گذارد. هرچه این فرایند تشدید شود، سودآوری زمین و مسکن بیشتر می‌شود. سرمایه‌گذاران در این زمینه به آثار اجتماعی و کالبدی کارهای خود توجهی ندارند و به همین سبب ساختمان‌های ارزشمند تاریخی و فرهنگی نیز در این فرایند دستخوش دگرگونی بسیار و تخریب می‌شود (Logan & Molotch, 1987:37). فرایندهای اجتماعی اساسی درون شهر از یک‌سو به شیوه تخصیص مسکن کمیاب و مطلوب از راه بازار و ابزارهای اداری و از سوی دیگر به مبارزه برای تصاحب مسکن از سوی گروه‌هایی که جایگاه

متفاوتی در سلسله مراتب مسکن دارند، برمی‌گردد (Rex & Moore, 1987:8). کانون اصلی مشکلات توسعه نیافتگی در کشورهای در حال توسعه شهرها هستند. افزایش جمعیت شهری و مهاجرت پیوسته روستائیان به شهرهای پرجمعیت، فشار شدیدی بر زیربنای شهری وارد آورده و بیشتر آن‌ها را از ایفای نقش مطلوب در فرایند توسعه در کشورهای در حال توسعه بازداشته است. توسعه شهری بستگی زیادی به زیربنای شهری مانند انرژی، جاده‌ها و منابع دیگری دارد و همچنین سلامت جمعیت شهری ساکن در نواحی پرتراکم به بهداشت و منابع آب متکی است. خدمات شهری یا خدمات عمومی شهری عنصر دیگری است که انجام فعالیت‌های شهری را امکان پذیر می‌سازد. خدماتی چون «حمل و نقل، فضاهای عمومی، ایمنی و امنیت شهری، کاستی‌های مدیریت شهری و کمیابی منابع مالی و ظرفیت فنی منجر به کمیابی‌های گسترده منابع آب، الکتریسته، بهداشت، ارتباطات و جمع‌آوری مواد زائد» شده است. در بسیاری از کشورها، شهرداری‌ها بیشتر خدمات اساسی شهرها را تأمین و مدیریت می‌کنند. با توجه به کارکردها و نحوه‌ی مدیریتی، دولت‌های محلی می‌تواند در توسعه و مدیریت پایدار شهری نقش ایفاء نماید، لذا می‌توان بیان کرد که الگوی دولت محلی، نقش مهمی را در توسعه پایدار شهری دارد و جهت رسیدن به آن می‌تواند از طریق حکمروایی شهری و مشارکت شهروندی فرایند رسیدن به توسعه پایدار شهری را سریع‌تر نماید. در نهایت نقش‌آفرینی و کارکردهای دولت‌های محلی تابع صلاح‌دید دولت مرکزی است، که قبض و بسط قدرت حکومت محلی را در کنترل خود دارد. دولت مرکزی، معمولاً تحت شرایط برقراری امنیت، آرامش و در بالا بودن وفاداری مردم محلی، نسبت به دولت مرکزی از یک سو و افزایش حجم وظایف دولت مرکزی، به ویژه در دولت-های بسیط و متمرکز و توسعه‌ی بوروکراسی و نگرانی از بروز نارضایتی در سطح محلی از سوی دیگر، می‌کوشد بخشی از وظایف، تعهدات و به عبارتی قدرت خود را، به ویژه در بعد اجراییات، به سطح محلی انتقال دهد. توزیع و انتقال چنین اختیارات و تعهداتی ممکن است به بخش مردمی (شوراها و مجالس محلی) یا بخش حکومت محلی (فرمانداری‌ها و ادارات دولتی) واگذار شود، یا اینکه با اتخاذ سیاست خاصی بین هر دوی آن‌ها توزیع و روابط آن‌ها با یکدیگر تنظیم شود. قلمروهای کارکردی و وظایف دولت‌های محلی در طیفی از امور سیاسی، امنیتی و قضایی تا امور سطحی خدماتی، یا وظایف صرف نظارتی و دست‌یابی نهادهای حکومت مرکزی قرار می‌گیرد. این کارکردها را می‌توان در قالب جدول (۳) بیان کرد.

Table (3) Factors Affecting the Sustainable Development of Iranian Cities

عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری	
۱- آموزش شهروندان در راستای فرهنگسازی شهری	۱۰- افزایش مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری
۲- پاسخگویی مدیریت شهری در امور شهری	۱۱- توجه به سلامت، رضایت و شادی شهروندان
۳- مسئولیت‌پذیری در امر مدیریت شهری	۱۲- افزایش رفاه شهروندان
۴- افزایش امنیت شهری و شهروندی	۱۳- تأمین شغل و نیازهای ضروری شهروندان
۵- توزیع عادلانه ثروت و درآمد شهری	۱۴- محله‌بندی و منطقه‌بندی درست
۶- افزایش تسهیلات شهری	۱۵- توجه به مبلمان شهری مناسب برای شهروندان
۷- وجود فضاهای گذران اوقات فراغت (پارک، فضای سبز)	۱۶- وجود و دسترسی آسان به فضاهای پیاده‌روی
۸- دسترسی و توزیع امکانات بهداشتی- درمانی	۱۷- نکاستن از مصالح ساختمانی در بالا بردن کیفیت مسکن
۹- کیفیت بهداشتی مکان‌های عمومی	۱۸- دسترسی آسان به امکانات و خدمات آموزشی

Source: (Research findings., 2019)

در مجموع کارکردهای اشاره شده در جدول که وظایف اصلی دولت‌های محلی در مدیریت شهری است می‌تواند زمینه توسعه پایدار شهرهای ایران را بیش از پیش فراهم آورد. لذا توجه به این کارکردها از سوی مدیریت شهری در راستای به سامان کردن و ساختن [شهری پایدار] امری انکارناشدنی است. در شکل (۵) مدل مفهومی رابطه شاخص‌های توسعه پایدار شهری با دولت‌های محلی ترسیم گردیده است.

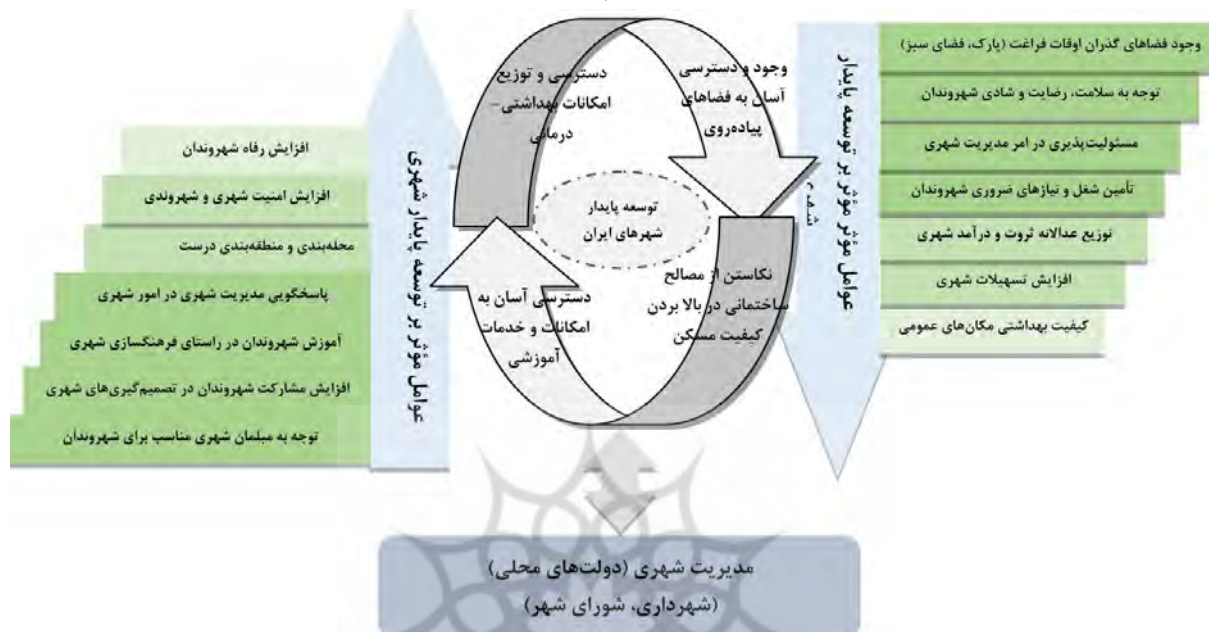


Figure (5) Link cycle Indicators of sustainable development of Iranian cities with local governments
Source: (Research findings., 2019)

نتیجه‌گیری

امروزه توسعه پایدار شهرها را که از جنبه‌های مختلف، برای ادامه حیات و فعالیت‌های انسان در فضای شهرها ضروری است، نمی‌توان محدود ساخت. زیرا توسعه پایدار به مقابله با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعتی می‌پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط‌زیست می‌انجامد و تنها فرآیند توسعه‌ای را تأیید می‌کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در حد ظرفیت پذیرش نظام‌های پشتیبان حیات منجر شود. بر این اساس توسعه پایدار شهری، حول حساسیت‌های زیست محیطی شکل گرفت و اشارات اولیه آن برای سیاست‌های توسعه شهری، حفظ فضای سبز و پاکیزگی آب و هوا، سالم بودن آب آشامدنی، جلوگیری از آلودگی هوا و کاهش تولید زباله در سطح محلی بود. اما به تدریج در دهه‌های اخیر سیاست‌های پایداری به پهنه‌های جغرافیایی در سطوح (ملی، منطقه‌ای و جهانی) روی آورد و افزون بر بعد اکولوژی-زیستی، به ابعاد اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی نیز توجه کرد. از این-رو، می‌توان در عصر حاضر شهر پایدار را شهری دانست که برآمده از توسعه‌ای است که ذهنیت و امکان ارتقاء همیشگی سلامت اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و زیستی و منطقه آن را در تمام ابعاد فراهم کرده است. به هر روی آنچه در این نوشتار ذکر گردید درآمدی بر نقش دولت‌های محلی در توسعه پایدار شهری بود که نگارندگان به دنبال مدل مفهومی بودند که بتوانند با ارائه آن که جامع و مانع است، الگویی برای شکل‌گیری شهرهای پایدار در ایران ترسیم نمایند که مبتنی بر آن بتوان شهرهای ایران را به گونه‌ای اداره نمود که از پایداری بالایی برخوردار باشد. در این راستا می‌توان گفت، توسعه پایدار شهری به ویژه در کلان‌شهرهای ایران زمانی می‌تواند رخ دهد و شهرها را

پایدار نماید که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیستی آن در همه سطوح و گام‌ها در نظر گرفته شود. بر این بنیاد، سلامتی به ویژه سلامتی شهر و در راستای آن سلامت شهرنشینان یکی از اهداف توسعه پایدار شهری است که در آن شهروندان بتوانند در آسایش و آرامش و با کیفیت تمام زندگی نمایند. بدین ترتیب سلامت شهر در گرو داشتن محیط سالم و بسترهای مناسب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی است که شهروندان پایه و اساس و به عبارتی سرمایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. بر این مبنای، همان‌طور که در تمام تحقیق بر آن تأکید شد از جمله عناصر بنیادین و مهم پیوند دهنده و شکل‌گیری شهر سالم، «مشارکت دادن شهروندان» در تصمیم‌های شهری است، که این امر زمینه ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان در شهرهای ایران می‌شود. به هر روی بر اساس مطالعات صورت گرفته در این تحقیق می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که روی آوردن به توسعه پایدار شهری در ایران در جهت ساختن شهر و شهروند سالم، ضروریست بهداشت، کیفیت زندگی، پایداری محیط و سلامت شهروندان مد نظر قرار گیرد تا بتوان بسیاری از معضلات شهری را رفع نمود. در این راستا روند شکل‌گیری شهر پایدار در فضای شهرهای ایران با توجه به نقش دولت‌های محلی، باید مدیران شهری شناخت بیشتر و جامع‌تری نسبت به شاخص‌ها ارائه شده در این تحقیق کسب نمایند تا بتوانند زمینه توسعه پایدار شهرهای ایران را فراهم نمایند. در نهایت در شکل مفهومی (۶) عناصر سازنده شهر پایدار در شهرهای ایران ترسیم شده است.

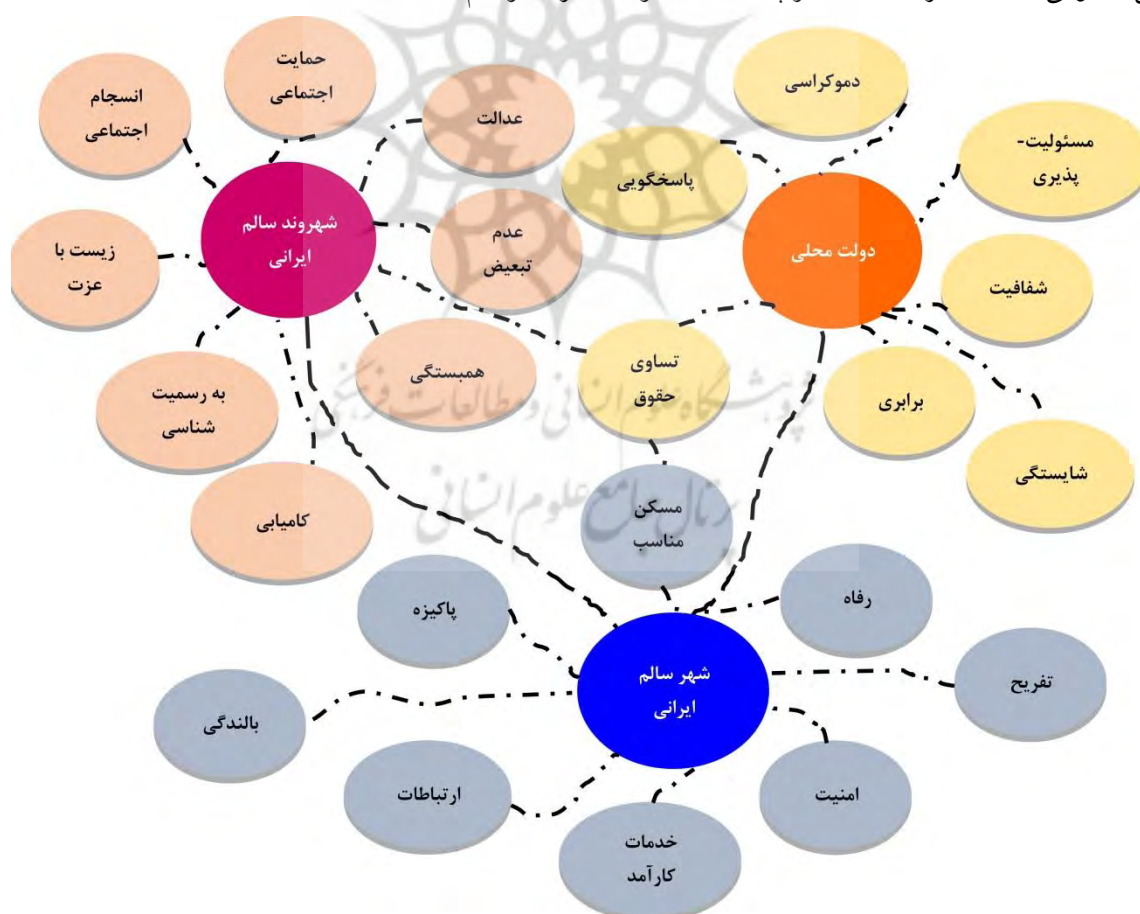


Figure (6) The Manufacturer elements of the sustainable city in the cities of Iran Source: (Research findings., 2019)

References

Adham, J; Hatamvand,z, and Khani,s. (2010). The role of the municipality in managing sustainable urban development: Challenges and obstacles facing it, the place of public sport in the health and

- happiness of the citizens of Tehran's 2nd district, Tehran, Municipality of Tehran,idea city company. [In Persian]
- Akbari, E.,and Akbari,M. (2017). Structural-Interpretative Modeling of Factors Affecting Tehran Metropolitan Life Existence, Journal of Planning and Space Design, Vol. 21, No. 1, pp.31-1. [In Persian]
- Akhundi, A., and et al. (2008). The pathology of the City Administration in Iran, Quarterly Journal of Geographical Research, Volume 40, Issue 2. pp. 156-135. [In Persian]
- Amanpour, S., Behmayi, H., and Akbarian,R. (2017). A Survey on Satisfaction of Citizens from Individual Variables Affecting the Quality of Life Environment (Case Study: Ahwaz Negative Localities Centers), Journal of New Attitudes in Human Geography, Vol. 9, No. 4, pp.155-141. [In Persian]
- Amirkhani, M., et al. (2008). Citizens and Towns Empowerment Guide for Health Promotion, Tehran: Tehran City Study and Planning Center. [In Persian]
- Ansari, Z., and Hosseinpour motlagh. M. and Ghorbani Sepehr,A. (2018). A New Approach to Political Participation in Iran (Emphasizing the Role of Cyber Room in the Presidential Elections of the Twelfth), Iranian Geopolitical Association Press, Tehran. [In Persian]
- Arjmand siahpoosh,E. (2015). Evaluation of variables of sustainable urban development status in Andimeshk city and providing a proportional model, Journal of Social Development Studies, Vol. 8, No. 1, pp. 83-67. [In Persian]
- Burkepour, N., and Asad,I. (2009). Management and Administration of the City, Art University, Tehran. [In Persian]
- Carr, R.K & et al (1964). American Democracy in Theory and Partice, NewYork: Holt, Rinehart and Winston Caulfield.
- Clary, M, R. (2008). The entrepreneuriaicity, University of Nevada, Lasvegas, Public administration Review.
- Dervishi,u., Amanollahpour, A, and ,Karimi,B. (2016). Role of Urban Management in Sustainable Urban Development ", First National Conference on Crisis Management, Safety, Health, Environment and Sustainable Development, Tehran Mehr-e Arvand Institution of Higher Education, Center for Achieving Sustainable Development. [In Persian]
- Falex, K. (2002). Citizenship, translation by Mohammad Taghi Delfrooz, Kavir Publishing, Tehran.
- Farana Consulting Engineers. (2000). Development Plan of Mashhad Metropolitan City Complex, Khorasan Razavi Housing and Urban Development Organization. [In Persian]
- Ghadiri, M., and Mamassani,M. (2014). Comparative Analysis of Sustainable Development Indicators of Bushehr City with Urban Areas of the Country, Journal of Applied Geosciences Research, Vol. 14, No. 35, pp. 72-49. [In Persian]
- Ghorbani Sepehr,A. and Janparvar, M. (2017). Explaining the place of chastity and hijab from the perspective of citizenship rights, Tehran. Proceedings of the National Conference on Scientific and Applied Approaches to Chastity and Hijab, Al-Zahra University. [In Persian]
- Goodarzvand Chegini, M. (2015). Sustainable Development; Indices and Policies, Quarterly Journal of Global Politics, Vol. 4, No. 2, pp. 238-215. [In Persian]
- Hafeznia,M., and Kaviani Rad,M. (2013). New Horizons in Political Geography, Publication of the Seventh, Fourth Edition, Tehran. [In Persian]
- Hojjati Ashrafi, Gh. (2004). The complete set of laws and regulations of the municipality and Islamic councils, with the latest amendments and extensions, Tehran, Ganj Danesh publishing, thirteenth edition. [In Persian]
- Janparvar, M., and Ghorbani Sepehr,A. (2018). Urban Geopolitics, Iran Geopolitics Association Press, Tehran. [In Persian]
- Kazemian, Gh., and Saeedi Rezvani,N. (2004). Feasibility of New Tasks for Municipalities (Vol. 3), Tehran: Publications of the Municipality Organization. [In Persian]

- Kazemian, Gh., Ghorbani Zadeh, V., and Shafia, S. (2012). Achieving Local Sustainable Development through the Social Capacity of Residents and Economic Opportunities in the Informal Neighborhood (Case Study: Shemiran Neu Neighborhood), *Quarterly Journal of Urban Studies*, No. 4, pp. 10-1. [In Persian]
- Khakpour, B., Mafi, E, and Bavan Puri, A. (2009). The Role of Social Capital in Sustainable Neighborhood Development, *Journal of Geography and Regional Development*, No. 12, pp. 81-55. [In Persian]
- Kioisto, P. (2006). *Fundamental Thoughts in Sociology*, Translated by Manouchehr Sabouri, Ney Publication, Fifth Edition, Tehran.
- Logan & Molotch, (1987), *Urban fortunes : (ed) The Political Economy of Place*. Berkeley : university of Chicago Press.
- Lotfi, Heydar ,et al. (2009). Urban Management and its Position in Promoting Citizens' Rights, *Human Resource Quarterly*, Second Year, No. 1, pp. 110-101. [In Persian]
- Luke, T.W. (2005). Neither sustainable nor development: Reconsidering sustainability in development. *Sustainable Development*, 13:228:338.
- Maclaren, V (1996). *Urban sustainability reporting* Journal of the American Planning Association.
- Mansour, J. (2003). *Collection of laws and regulations related to the city and municipality*, Tehran: Publishing Duran. [In Persian]
- Massoum, J., and Aliabadi, J. (2002). Challenges of Urban Management in Iran, *Municipal Monthly*, Third Year, No. 35. [In Persian]
- Mesgrian, H., et al. (2014). Sustainable Development and Assessment of Citizen Participation in Urban Management Process; Case Study: Tabriz, Tehran: Proceedings of the Seventh Congress of the Iranian Geopolitical Association. [In Persian]
- Mohitara, M., Malek Hosseini, A., and Shams, M. (2018). A Strategic Model of the Sustainable Neighborhood of the Islamic-Iranian City (Qom City Foundation), *Journal of New Attitudes in Human Geography*, Vol. 10, No. 3, pp. 381-362. [In Persian]
- Moier, R. (2013). *A New Revenue on Political Geography*, Translation: Dareh Mirehidar, Geographic Organization of the Armed Forces Publications, First Edition, Tehran.
- Mottagi, A., Janparvar, M., and Ghorbani Sepehr, A. (2019). New Attitude in Redefining the Geopolitical Concept of Peace, *Journal International Relations Research*, 5 (19): 12-28 [In Persian].
- Nazran, A. (1999). *Urban Geography of Iran*, Payam Noor Publications, Tehran.
- Nejat Hosseini, M. (2001). *Modern Society, Citizenship and Participation*, *Urban Management Quarterly*, No. 5, pp. 15-6. [In Persian]
- Nikpour, A., Maleshahi, M., and Razghi rami, PH. (2015). Evaluation of Sustainable Urban Development Indicators with Emphasis on Justice in Distribution of Services (Case Study: Babol City), *Urban Research and Planning*, Vol. 6, No. 22, pp. 138-125. [In Persian]
- Pacione, M. (2005). *Urban Geography: a Global Perspective*, Routledge.
- Pag, C. (2004). *Sustainable Cities in Developing Countries*, Translated by Naser Mohammad Nejad, Tehran: Center for Research and Development of Urban and Architecture of Iran.
- Papeli Yazdi, M., and Sanaajerdi, R. (2003). *Theories of the City and Perimon*, The Publication of the Party, Tehran. [In Persian]
- Parvin, S., and Kalantari, A. (2014). Study of Indices of Sustainable Urban Development in Tehran (with Social Approach), *Tehran University of Science and Technology*, Tehran. [In Persian]
- Piran, P. (2008). *Urban Governance*, *Encyclopedia of Urban and Rural Management*, Tehran: (Publications of the Organization of Municipalities and Daisies of the Country. [In Persian]
- Purdavood, E. (1976). *Ancient Iranian Culture*, Tehran University Press, Tehran. [In Persian]
- Rabbani, R. (2006). *Urban Sociology*, Isfahan University Press, Second Edition, Isfahan. [In Persian]
- Rex, J & R. Moore, Race, (1987). *Community and Conflict*. Oxfoed, Oxford University Press. [In Persian]

- Rezazadeh, R., Aiadqamish, M., Fatemeh and Rafieian, M. (2013). The Role of the Asset-Based Approach Approach to Local Sustainable Development (Case Study: Butzadeh Hassan Tehran Town), Bagh-e-Posh Magazine, Vol. 10, No. 25, pp. 48-39.1. [In Persian]
- Sa'idnia, A. (2000). Urban Management, Organization of Municipalities, 11th volume, Tehran. [In Persian]
- Sa'idnia, A. (2003). Green Book of Municipalities, Volume 11, Urban Management, Tehran: Publications of the Organization of Municipalities. [In Persian]
- saraphi, M., and Ismael Zadeh, H. (2005). Solutions for Urban Problems in Iran, Political and Economic Information Monthly, No. 217 and 218, pp. 145-136. [In Persian]
- Sattari, S., Zabihi, H., and Zabihi, H. (2009). An Attitude to the Concept of Hazrat Rasul Akram City Management in Madinah City, A Beautiful Exposition of Islamic Urban Management, Journal of Management beyond the Management, No. 10, 146-106. [In Persian]
- Seiedbaigi, S., Sarvar, R., and Faraji Rad, A. (2018). The Role of Urban Management in the Development of City Culture and Urbanization (Case Study: Ilam City), Journal of New Attitudes in Human Geography, Vol. 10, No. 3, pp. 304-287. [In Persian]
- Sharepoor, M. (2012). Urban Sociology, Sadegh Post, Fifth Edition, Tehran. [In Persian]
- Shia, E. (2003). The Need for the Development of Urban Management in Iran, Geography and Development, No. 1. [In Persian]
- taqvaei, M., and safarabadi, A. (2011). The Role of Urban Management in Achieving Sustainable Development of Urban Tourism (Case Study: Kermanshah City), Quarterly Journal of Geographical Studies in Arid Areas, First Year, No. 4, pp. 52-35. [In Persian]
- Taylor, J.P., Flint C. (2000). Political Geography World-Economy, Nation-State, and Locality.
- Veisi, H. (2013). Income on Local Government, Sublicensee, Tehran. [In Persian]
- World Commission on Environment and Development (WCED). (1987). Our common future. Oxford University Press.
- www.unisdr.org.
- Yazdan Panah Abdolmaleki, A. (2014). The study of the role of municipalities in urban and urban management in Iran, the first congress of urban management and city councils, Sari, Center for Development Conferences in Iran. [In Persian]
- Young, Jou Lai, Ting, Yun Liu, Ching, Lai Hwang. (2012). TOPSIS for MODM, Vol. 76, No. 3.
- Ziari, K., Zandvi, M., Aqajani, M., and Moghaddam, M. (2009). Investigation of citizenship participation and its role in the management of small towns (case study: Herbivores, Varzaneh and Haidj), Journal of Geography and Regional Development, No. 13, pp. 235-211. [In Persian]